

۱۵ آبان ماه ۶۸ شمسه ۵۲+۳۳۲

شرط تحصیل سنگر، مشارکت در هزینه: نتشار سنگر است.  
مدافع مشارکت برای ایرانیان مضمون اوربا و اسنا و استرالیا برای  
۱۳ شماره ماه ۲۰ دلار و برای آمریکا و کانادا ۱۴ دلار میباشد.



سنگر

افسوس و حیف که شاه، نمیخواهد

# دفاع از حیثیت

لایحه مصونیت مستشاران آمریکائی و شاهنشاهی ایران

مجلس شورای ملی و کمیسیون حقوق بشر

## لایحه مصونیت مستشاران امریکائی و شاهنشاهی ایران

یکی اینکه لایحه مزبور، یکی از بهانه‌های مشخص شورش سال ۴۲ و ۵۷ بوده است. برای امانت بیشتر این بحث، عین اظهارات خمینی بدرک و اصل شده به اینجا آورده شده است:

"من تاثرات خودم را نمی‌توانم انکار کنم، قلب من در فشار است، این چند روز که مسائل ایران را شنیدم خوابم کم شده است، ناراحت هستم، قلبم در فشار است، روز شماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش می‌آید در عزای ما بنام جشن‌های چهارم ایان چراغان کردند و دستجمعی رقمیدند، ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، قانونی به مجلس بردند که در آن اول مسأله را ملحق کردند به بیمان وین و تانیا الحاق کردند پیمان وین را به مستشاران نظامی که تمام مستشاران امریکائی است با خانواده‌شان با کارمندان اداری‌شان و در سنای ما با یک قیام و تقویدیه تصویب رسید.

"اینها با هر جنابیتی که در ایران بکنند با این قراردادها که پیشولاسیون مصون هستند اگر یکسک خادم امریکائی یا اگر یک آشپز امریکائی مرجع تقلید شما را وسط با زارتور و رکند، زیر پسا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد، دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید بروند امریکا آنجا را به تکیفش را معین کنند، دولت این لایحه را به مجلس برده و در سنای ما با یک قیام مطلب را تمام کردند، دولت با کمال وقاحت از این قرارداد تنگین خودداری کرده. دولت ایران را از سنگهای امریکائی پست سر کردند. اگر چنانکه کسی سگ امریکائی را زیر بگیرد بازخواست میکند، بزرگترین مقام را اگر زیر بگیرند کسی حق بازخواست ندارد، چرا؟ برای اینکه میخواهند از امریکا وام بگیرند و امریکا گفت که باید این کار بشود مردم ایران هم به چنین مطلبی رای ندادند اینها نمایندگان ما نیستند ای علمای ایران ای مراجع اسلام ای تهران، ای شیراز، ای نجف ای قم، ای مشهد من با این قرارداد می‌که با امریکا بسته‌ام مخالفت میکنم خرابی بدبختی است که یک آشپز امریکائی از یک ارتشبدای ایران بالاتر است خدایا اینها را که برقران خیانت میکنندنا بودکن

**دوم اینکه** با آنکه شورشیان درجه اول تا حدودی تعرض به شاهنشاهی ایران را پایان داده اند و با استفاده از آن لایحه مصونیت را صدود ساخته اند ولی بختیار و آدمهای کثیف شراز و دست بردار نیستند و هر جا فرضی پیدا میکنند و یا قافیه را تنگ می‌بیشند، میزنند به لایحه مزبور نوشته و می‌نویسند:

"محمدرضا شاه کاپیتولاسیون را به ایران بازگردانید" - اگر پدرش به اشاره انگلستان کاپیتولاسیون را لغو کرد، فرزندش آنرا مجدداً برقرار نمود و اگر میماند همه خارجیان کشورهای جهان را مشمول آن میساخت " و امثال این اتهامات که ذکر مواردش از شمار بیرون است

**بذل حوصله بفرمائید** تردید نیست که مسیر این مقدمکن است خوانندگان محترم را قدری خسته کند، زیرا پرواضح است که در این روزهای وانفسا که همه ما تشنه راه‌یابی برای نجات مبارزه از مرگ تجمیلی هستیم حوصله توجه و تعمق به چنین بحثهای تحقیقی را نداریم. ولی با وجود این آگاهی، نظریه اهمیت موضوع و مورد، اجازه میخواهد در نهایت کوچکی استدعا نماید که در جهت حفظ حیثیت شاهنشاهی ایران به امریکائی عظیم بخشید و رفع اتهام از او که هر ایرانی پاک فکری ندیون تلاشها و همتهای آن پادشاه است، کمی تحمل و حوصله به خرج داده و این نقد را لایق توجه و امان نظر بردانید و اگر انرا در جایگاه دلیل و منطقی بیافتید، به آن وسعت و تکمیل بخشیده و در هدایت آنها که نمیدانند و یا میدانشند و در مجرای غرض ورزی و دشمنی قرار دارند بکار بربریده

### چگونه شروع شود

در فکریم که از کجا شروع شود تا حق این مطلب حساس تا حدودی ادا شود، شاید این طریق را بسنه پسندید که ابتدا:

جریان پارلمانی و مکاتبات رسمی بین وزارت خارجه امریکا و ایران و لایحه قانونی مصونیت مستشاران امریکائی مطرح شود سپس مورد مزبور، از لحاظ فقهی اسلامی و تشیع مورد ارزیابی و تطبیق قرار گیرد و در این میان، از تفاوت مصونیت و کاپیتولاسیون گفتگو شود و عندالافتضا اگر مسائل جنبی دیگری نیز بدروشنی مطلب کمک باشد از آنها نیز استفاده شود.

### قرارداد دویین و مصونیت سیاسی

در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ قرارداد دویین بین کشورهای جهان دویین روابط سیاسی کشورها به اضماع رسید که چون محل انعقاد آن اجلاس در وین بود به قرارداد دویین موصوف گردیده است. در مقدمه این قرارداد آمده است:

با تذکار این معنا - که همه مردم کشورها از دیرباز قائل بنظایات خاصی در مورد نمایندگان سیاسی میباشند، با معرفت به مقاصد و اصول منشور ملل متحد در باره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملتها

با اعتقاد به اینکه - یک قرارداد دویین المللی در باره روابط و مزایا و مصونیت های نمایندگان سیاسی در همه دستاویزات دوستانه بین کشورها هر چند طرز و اساس حکومت و اصول اجتماعی آنها تفاوت های با یکدیگر داشته باشد موثر خواهد بود

با اذعان به اینکه - منظور از مزایا و مصونیت های مذکور در فوق منتفع ساختن افراد نیست و بلکه مراد تا مین حسن اجرا و وظائف هیئت های سیاسی بعنوان نمایندگان دولتها میباشند

با تاکید اینکه - در مورد مسائل که ضمن مقررات این قرارداد تصریح تعیین تکلیف نشده است قواعد عرف و عادت حقوق بین الملل همچنان حاکم خواهد بود

در ماده اول این قرارداد چهل و چند ماده ای اصطلاحات بکار رفته در آن قانون از قبیل

ما موریت سیاسی، کارمندان سیاسی، رئیس و ما مورین سیاسی، ما مورفنی و اداری، خدمه، خدمتگذار شخصی و اماکن تعریف شده اند که چون در بحث حاضر و همچنین قانون مصونیت مستشاران خارجی به بند (و) ماده اول اشاره شده است، برای روشنی مطلب عین آن بنده اینجا آورده میشود بند (و) ماده یکم قرارداد دویین میگوید:

"اصطلاح "ما مورفنی و اداری" یعنی دسته از کارمندان ما موریت که به امور اداری و فنی ما موریت اشتغال دارند.

### اشاره ای بجا

لازم به اشاره است که گرچه قرارداد دویین سال ۱۹۶۱ موجب مصونیت سیاسی برای نمایندگان کشورهای گردید ولی از قبل از آن حتی به سالهای بسیار دور، نمایندگان سیاسی کشورها عملاً دارای مصونیت در کشورهای محل ما موریت بودند و در واقع هم تا طور که در مقدمه قرارداد مذکور شده است، قرارداد دویین عرف معمول و مورد احترام کشورهای را بصورت مدون در آورده. چنانکه در سال سوم سلطنت رضاشاه کبیر، وزیر عدلیه وقت طی بخشنامه ای به کلیه محاکم دستور داده که از قبول دعوا و اعزام از حقوقی و یا جزائی علیه نمایندگان سیاسی دول خارجی امتناع کنند و ضمناً مقامات خارجی را که مشمول این دستور هستند تعیین و مشخص کرده این بخشنامه بعلت مصونیت خاص نمایندگان سیاسی خارجی و عدم امکان اقامه دعوا علیه آنان صادر شد (۱۱ تیرماه ۱۳۰۷ - نقل از جلد اول گاهنامه)

### گردش اداری موضوع

قرارداد مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ وین در تاریخ ۲۱ مهرماه سال ۴۳ ۱۳ به تصویب مجلسین ایران رسید.

قبل از طرح و تصویب قرارداد دویین در مجلسین

ایران وزارت خارجه آمریکا از طریق سفارت

خود ضمن نامه شماره ۲۰۳ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲

از وزارت خارجه ایران تقاضای

کنند که هیئت مستشاران نظامی آن کشور

مشمول مصونیت های مقرر در قرارداد دویین

گردند.

وزارت خارجه ایران در پاسخ درخواست

مزبور با ددا شد متن مقابل را ارسال

داشتند.

چنانکه در متن مزبور ملاحظه میشود

سفرات آمریکا مشتمل بر دو قسمت است

برای مستشاران نظامی آمریکا که

دوم تقاضای سفارت آمریکا در

مشمول مصونیت های مستشاری

امریکا، وزارت خارجه با این قسمت

و انجام آنرا موکول به مطالعات بیشتر

گردید.

موضوع نظر می رسد که موافقت

چهارم سیاسی

۸۸۰۰

۱۲۴۱ / ۱۲ / ۲۰

پست

وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تمارقات خود را بستاندگی برای ایالات متحده

امریکا اظهار و عطف یادداشت شماره ۲۰۳ مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ راجع بپسند

بیشنهاد آن سفارتگری در خصوص وضع اعفاء هیئت مستشاری نظامی امریکا در ایران

و استناد از مواد قرارداد وین مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ در باره مستشاران مزبور

اجتراما " اتمام میدارد - نسبت بتمت اخیر یادداشت شماره ۱۲۳ مورخ ۱۶

مارس ۱۹۶۲ آن سفارتگری در خصوص اعفاء عالی رتبه هیئت مستشاری که دارای گذرنامه

گروه نظامی می باشد موافقت

وزارت خارجه ایران در جهت تأیید مصونیت سیاسی مستشاران نظامی آمریکا که دارای گذرنامه سیاسی بوده اند منطبق با قرارداد دوینسن و تعریفی که آن قرارداد داد "ما موریتت سیاسی" کرده است نمیشد ولی نباید از نظر دورداد است که آن تاریخی که وزارت خارجه ایران چنین موافقتی را کرد، قرارداد دوین در مجلس ایران تصویب نشده بود و لاجرم وزارت خارجه ایران بر اساس عرف بین المللی وقت کسبه دارنده گذرنامه سیاسی از مصونیت های سیاسی بهره مند میشد، همان عرف را متوجه مستشاران نظامی آمریکا که دارای گذرنامه سیاسی بودند

سپاس میبایند موافقت میکرد که بنا برندگان وضع سیاسی داده شود تا بتوانند از مصونیتها و امتیازات مربوطه برخوردار شوند و در خصوص بقیه کارمندان هیئت های مستشاری آمریکا نیز همانطوری که در جریان است تا برای آنها نیز امتیازات و تسهیلات بیشتری فراهم گردد که نتیجه آن بعداً "با مستحضاران سفارتگیری خواهد رسید"

موقع را برای تجدید احترامات قائم منقسم بشمارد -  
سفارتگیری ایالات متحده آمریکا - تهران

در اشنای طرح قرارداد دوین در مجلس، وزارت خارجه ایران متوجه گردید که مستشاران نظامی آمریکا، بلحاظ اینکه ما موریت آنان منطبق با ما موریت تعریف شده در قرارداد دوین نیست، نمیی توانند از مصونیت مندرج در قرارداد دوین استفاده کنند لذا نامه زیر را به وزارت خارجه آمریکا ارسال داشت

که قرارداد بین المللی بین بر سر تصویر از طرف توه بکنه ایران شامل اعضای هیات های سفارتی نظامی دولت ایالات متحده در ایران که در استخدام وزارت جنگ ایران میبایند نخواهد گشت و برای اینکه بر سر جداگانه لازم است و لطیفاً ترارند هنگام گشت هم موافقت بین المللی بین مجلسین شرح لازم نیز ضمیمه شود که رئیس و اعضای هیات های مستشاران نظامی در ایران از مزایا و مصونیتها و امتیازاتی که برای "کارمندان اداری و غیره" موضوع بند ۴ ماده اول موافقتنامه مورد بحث پیش بینی شده برخوردار باشند، و البته شمول این مزایا و امتیازات به تصویب مجلسین خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران  
تاریخ ۱۳۴۶/۸/۲۶  
پست

وزارت امور خارجه

بیادداشت

وزارت امور خارجه، شامنشاهی تمارات خود را به سفارتگیری دولت ایالات متحده آمریکا اظهار در مورد حمایت و مصونیت اعضای هیات های سفارتان نظامی دولت ایالات متحده آمریکا در ایران احتراماً با مستحضار میرساند که با توجه به درخواستی که در یادداشت شماره ۱۲۳ مورخ ۱۶ مارس ۱۳۶۲ بعمل آورده و مرقوم داشته بودند که کارمندان هیات های سفارتی از امتیازات و مصونیت های مربوط به کارمندان اداری و امنای نش "مشروع" در قرارداد منقسم برقرار نماید، کنتراس سازمان ملل متحد منعقد در این در خصوص و به موجب مصوبه هیات های سیاسی - دولتی ایران در ۱۸ آوریل ۱۳۶۱ برقرار باشد و به همین از اعضای نمایندگی این هیاتها و موجب قرارداد بین دولت وضع مابین سیاسی داده شود تا از مصونیتها و امتیازاتی که قرارداد مذکور برای این طبقه در نظر گرفته شده است و به خاطر غلطت حال اداری و عدم اعتماد تکل در مورد هر یک از مستخدمین نظامی و غیره که در وزارت دفاع ایالات متحده، و اعضای خانواده همراه او بتخلی که مستور آنان در ایران با موافقت دولت شاهنشاهی باشد اصل نوب الفکر قابل اجرا باشد"

موقع را برای تجدید احترامات قائم منقسم بشمارد -  
سفارتگیری ایالات متحده آمریکا - تهران

سفارتگیری دولت ایالات متحده آمریکا - تهران

با مطالبه نامه فوق که از سوی وزارت خارجه شاهنشاهی صادر شده است معلوم میگردد که بموازات طرح قرارداد دوین در مجلس، وزارت خارجه از همان موافقت مصونیت سیاسی مستشاران نظامی که دارای گذرنامه سیاسی بوده اند نیز عدول کرده و موافقت نهائی را منوط به موافقت هیئت دولت و تصویب مجلسین نموده است.

هیئت دولت با نظر موافق و بنا بر مصحلت ملی لایحه قانونی مصونیت سیاسی رئیس و هیئت مستشاران نظامی آمریکا را تهیه و به مجلس پیشنهاد نمود و در نهایت هم همزمان با تصویب قرارداد دوین لایحه قانونی هیئت دولت را بصورت ماده واحده زیر مورد تصویب قرار میدهد.

تفسیری بر ماده واحده مزبور

همانطور که ملاحظه میشود در ماده ۱۰ عهدنامه مرعترقی واحده مورد بحث به مسئله اساسی وجود دارد و اول اینکه فقط رئیس و اعضای هیئت مستشاری نظامی آمریکا مشمول آن ماده واحده میشوند

وزارت امور خارجه

نه کلیه مستشاران و یا ما مورین  
 نظامی آمریکا در ایران و  
 یا به زعمان بدرگ و اصل شده  
 (خمینی) و یا آن مدیرفیل  
 هیکل بختیاری "اشپزهای  
 هیئت نظامی آمریکا" می  
 مصونیتی در حد سفیر داشته  
 دوم اینکه مصونیت مزبور  
 شامل آن دسته از مستشارانی  
 میشده که بموجب قرارداد در  
 استخدام مستقیم دولت ایران  
 بوده اند و بنا بر این  
 مستشاران نظامی و تسلیحاتی  
 که بنا به قراردادها بین  
 دولت شاهنشاهی و شرکتهای  
 آمریکائی به ایران آمده  
 بودند مشمول ماده واحده  
 مزبور نمیشدند.

تائید اجازة استفادہ مستشاران نظامی امریکا در ایران

از مصونیتها و معانیبت های قرارداد دوسن

بازہ راجعیدہ

باتوجه بلامحه ۱۸ / ۱۱ / ۲۲۱۱ / ۲۱۰۷ - ۱۱ / ۱۳۲۲ دولت و ضامن آن که  
 در تاریخ ۲۱ / ۱۱ / ۶۲ به مجلس شناخته شد بدولت اجازہ دادہ میشود کہ رئیس  
 و اعضای هیاتهای مستشاری نظامی ایالات متحدہ را در ایران کہ بوجوب موافقت نامه های  
 مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی میباشد از مصونیتها و معانیبت های شامل کارشناسان  
 اداری و فنی بمرصوف در بند (و) ماده اول قرارداد دوسن کہ در تاریخ هجدهم آوریل  
 ۱۱۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۲۰ با مضاف رسیدہ است میباشد برخوردار

این قسمت دوم یعنی  
 قرارداد دوسن بودن مستشاران  
 را به خاطر بسپارید تا هنگام  
 بحث تطبیقی با فقه اسلام و همچنین  
 جهات افتراق مصونیت سیاسی با  
 کاپیتولاسیون قابل استغاده است

سوم اینکه ماده واحده مزبور برخلاف آنچه که آمریکا آنها انتظار داشتند، نظر آنها را در تعمیم مصونیت  
 سیاسی به کارمندان نظامی و غیر نظامی تا مین نگردزیرا همانطور که ملاحظه میکنید ماده واحده محصور  
 به رئیس و هیئت مستشاران نظامی است و حتی کارمندان فنی و اداری را نیز در بر نمیگرفت تا چه رسد  
 به خدمه مستشاران که در قرارداد دوسن در بند (ز) و (ح) هر یک تعریف خاصی دارند.

وزارت خارجه آمریکا از طریق سفارت خود ضمن یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر، موضوع را مسود  
 تعقیب قرار میدهد تا بتواند کارمندان اداری و فنی مستشاران نظامی را نیز مشمول مصونیت سیاسی  
 سازد.

وزارت امور خارجه ایران ضمن شماره ۹۷۶۲ پاسخ زیر را ارسال داشته است

اداره عهد و امر حقوقی

شماره ۹۷۶۳

وزارت امور خارجه

تاریخ ۱۸/۹/۶۲

پرست برادر

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را بسفارت کبریای کشوره های

متحدہ امریکا اظهار و در پاسخ یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۱۶۱ -

احتراما با اطلاع میرساند :

نظریاتیکہ قرارداد دوسن درباره روابط سیاسی مورخ ۱۱۶۱ مراحل تصویب

تائیدی از مجالس متنته ایران را گذرانیدہ است کارمندان نظامی و غیر نظامی امریکائی

کہ طبق موافقت نامه های پارتیباتی کہ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای

متحدہ امریکا مقرر گردیدہ در ایران میباشد از طرف سفارت کبریای کشورهای متحدہ

امریکا بعنوان کارمندان اداری و فنی سفارت کبریای وزارت امور خارجه شاهنشاهی

معرض میشوند از مصونیتها و معانیبت های موضوع بند ۲ از ماده ۲۲ قرارداد دوسن

درباره روابط سیاسی استفادہ نخواهند کرد.

موتیع رامشتم شمردہ احترامات فائقہ خود را تجدید مینماید.

سفارت کبریای کشورهای متحدہ امریکا - تهران

با دقت در این نامه بروشنی  
 معلوم میشود کہ وزارت خارجه  
 ایران هیچگونه تجدیدنظری و  
 یا تخطی از تصمیم مجلس نگردہ  
 است و کارمندان فنی و غیر فنی  
 هیئت مستشاری را در صورتی  
 مشمول قرارداد دوسن دانسته  
 کہ بعنوان کارمندان فنی  
 و رسمی سفارت کبریای آمریکا  
 به وزارت خارجه ایران  
 معرفی گردند، نه بعنوان  
 کارمندان فنی و اداری هیئت  
 مستشاران نظامی.  
 یعنی درست رعایت قرارداد  
 و بین کارمندان فنی و اداری  
 سفارتخانه ها هم از مصونیت  
 سیاسی قرارداد دوسن استفادہ  
 میکنند.

## نتیجه‌انگه

جریان مکاتبات بین وزارت خارجه ایران و آمریکا و تمام آن به تصویب ماده واحده ای در مجلس شورای ملی، فقط و فقط برای رئیس و اعضای هیئت مستشاری آمریکا در ایران که بموجب قرارداد ای در استخدام دولت شاهنشاهی ایران باشند، مصونیت مندرج در قرارداد دابوین منظور شده است و این حمربه هیچوجه برداشته نشده و شمول آن متفرق برخدمه و یا حتی کارمندان فنی و اداری مستشاران نظامی آمریکا در ایران نمیگردیده است.

## مصونیت سیاسی و دائره آن

برای نتیجه گیری نهائی لازم است که قدری در باب مصونیت سیاسی و نیز موقع آن در اسلام و تشیع گفتگو شود.

مصونیت امتیازی است که به ما مورین سیاسی کشورهای خارجی داده میشود تا در پناه آن از تعرض دولتی که در سرزمین آن خدمت میکنند در امان باشند و لذا، ما مورین که مصونیت دارند، قاپسل توقیف و محاکمه و یا هتک حرمت و تزییع حیثیت نیست، مصونیت نمایندگان سیاسی شامل محل زندگی و کار و اوراق آنها هم میشود.

لازم به اشاره است که مصونیت از تعقیب کیفری کلیتی وسیع دارد و شامل جرائم جنائی تا خلاف و جنحه هم میشود البته اشتباه نشود، اینطوری هم نیست که ما مورین سیاسی در قبال مصونیتی که دارند هر کاری که دلش بخواهد بکند، خیر دولت محل اقامت حق دارد علاوه بر اینکه مانع اقدامات او بشود، تعقیب و تضرر از عمل او را هم از دولت متبوعش بخواهد.

مصونیت دیگری که متوجه ما مورین سیاسی است، معافیت های مالیاتی و گمرکی است ولی این معافیت شامل مالیات بردار مدویا نقل و انتقال اموال غیر منقول نمیشود در قانون گمرکی کشورها، مسئله معافیت و نوع اموال ما مورین سیاسی تفصیلا بیان میگردد چنانکه در قانون تعرفه گمرکی سال ۱۳۳۲ پس از ذکر مقام شخصیتها ای که از معافیت گمرکی استفاده میکند اضافه شده، مشروط بر اینکه اشیاء شخصی سر نسول و کتسولیا رها در مدت ۹ ماه اول اقامتشان وارد ایران شده باشد.

همانطور که عرض شد، مصونیت های سیاسی از ایام قدیم بین کشورها معمول و متداول بوده است سیسرون، خطیب معروف رومی میگوید "مصونیت سفرا هم در حقوق بشری وهم در حقوق الهی تضمین شده است. سفرای دول شخصیتی مقدس و قابل احترام دارند و احترام آنها نه تنها در ممالک دوست بلکه در کشورهای دشمن نیز باید رعایت گردد.

"منتسکیو" فیلسوف فرانسوی، نمایندگان سیاسی کشورها را زبان روسای کشورها دانسته و معتقد است که بر طبق مقررات بین المللی این زبان باید آزاد باشد راجع به علت و فلسفه ایجاد مصونیت های سیاسی نظرات مختلفی در میان است.

عده ای به پیروی از "گروسوس" مبنای مصونیت های سیاسی را نظریه بیرون مرزی دانسته و معتقدند که سفارتخانه و محل سکونت سفیر جزئی از خاک کشور متبوع اوست و بنا بر این تابع قوانین مملکت خودش میباشد.

بنابینه نظریه "واتل" و "منتسکیو" مبنای مصونیت های سیاسی اصل آزادی و استقلال کشورهاست زیرا نمایندگان سیاسی نماینده دول مستقل هستند و باید از هرگونه سلطه و نفوذ ما مورین دولت محل توقف مصون باشند.

رعایت مصونیت های سیاسی با آنکه یک عرف مسلم بین المللی بوده است معینا دول مختلفه با عهدنامه های محدود و لزوماً نراتائید کرده اند و علاوه بر آن برخی از دول در قوانین موضوعه کشورشان مصونیت های سیاسی ما مورین خارجی را تائید کرده اند از جمله دولت هلند بموجب قانون ۱۶۷۹ که بعقیده برخی از حقوقدانان قدیمی ترین قانون داخلی راجع به مصونیت های سیاسی است و دولت انگلیسی در سال ۱۷۰۸ و دولت آمریکا بموجب قانون ۱۷۸۷ و دولت روسیه طبق قانون ۱۹۲۱ و دولت ایران بموجب قانون ورود و اقامت اتباع خارجی مصوب سال ۱۳۱۰ آنها تصویب نموده اند و بعداً قرارداد رین جایگزین قوانین موضوعه مزبور شده.

## اسلام و مصونیت

با وجود عرف کهن مصونیت سیاسی در جوامع بشری، اسلام قائل به مصونیت سیاسی نیست و این مطلب را حقوق جزای اسلامی تسالیف دکتر فیض الهی با توضیحات و دلایل کافی ارائه داده است و نتیجه گرفته که:

"سکنه بزرگ کشور اسلام خواه مسلمان باشند و یا کافر ذمی، باید بطور کامل وهمه جانبیه احکام و حدود و تعزیرات اسلامی را گردن نهند و حتی کسانی که بعنوان اقامت موقت از دولت اسلامی اذن و امان گرفته اند که مدتی را بخاطر ما موریتی سیاسی یا اقتصادی و یا نظامی و غیره در کشور اسلام (دارالاسلام) بمانند هیچگونه مصونیتی از نظر شرعی نمیتوانند داشته باشند و هر جرم و جنایتی که احیاناً مرتکب شوند همچون سایر مستوجب کیفر خواهند بود"

(صفحه ۱۱۱)

مستند این اظهار نظر در است آیات قرآنی از جمله آیات ۲۴ و ۲۱ سوره ص است

## مصونیت از طریق قرارداد

اگر اسلام قائل به مصونیت سیاسی به مفهوم حقوق بین الملل امروزی نیست ولی واجد مصونیت است

خاصی است که مختص حقوق اسلامی است و آن مصونیت های حاصل از قراردادهای ذمی است. در حقوق اسلامی برای پایان دادن به حالت محاصره مسلمانان با کفاری که در سرزمین اسلامی زندگی میکنند و اینکه آن کفار، از تعرض مسلمانان که بموجب حکم قرآن مجاز شمرده شده، مصون بمانند، طریقی وجود دارد که تحت عنوان قرارداد ذمه موسوم است. کفاری که در سرزمین مسلمانان زندگی میکنند یا بایدان کشور را ترک گویند و یا قرارداد ذمی با حکومت وقت تنظیم و امضا کنند.

حقوقدانان اسلامی مدعی آنند که هیچ اجباری در تنظیم این قرارداد نیست و نباید آنرا تحمیلی دانست ولی فراموش کرده اند که همان قسمت دوم که در صورت خودداری از تنظیم قرارداد ذمی باید سرزمین محل اقامت خود را ترک گویند، این خود یک تحمیل و فشار فوق العاده است. از مسائل قابل توجه در قرارداد ذمی این است که آن قرارداد، از عقود جایز است یعنی بیسک طرف که همان کافر ذمی باشد هر وقت که بخواهد میتواند قرارداد را فسخ کرده و از کشور خارج شود.

### قرارداد ذمی را بیشتر بشناسیم

قرارداد ذمه از آنجا که عداست، تابع ارکان عقود است یعنی دارای طرفین پیمان و موضوع و باید واجد اراده و ایجاب و قبول باشد.

نخستین مسئله ای که جای توجه میباید این است که چه کسی میتواند قرارداد ذمی را با کفاری که در سرزمین اسلامی حتی برای ما موریت سیاسی آمده اند امضا کند.

فقهای اسلامی عقیده دارند که مقام واجد صلاحیت برای تنظیم قرارداد ذمی مقام صلاحیت دار در حکومت اسلامی است و اگر افراد با احد کفار قرارداد ذمی تنظیم کنند، حکم آن نامه فردی را دارند نه قرارداد ذمی را.

بنابراین از نظر اسلام، پادشاه کشور، و یا دولت منتخب شاه که (اولی الامر) است وظیفه تنظیم قرارداد ذمی را با کفار دارد.

اما مذهب شیعه با اصل اسلامی فوق برابری نظریه دارد و عقیده دارد که مسئولیت عقد ذمه در صلاحیت ائمه و نمایندگان خاص آنها و یا در زمان غیبت امام با فقهای پرهیزکار و با مطلق، مراجع تقلید است که در عین حال، صلاحیت مقام افتاء و قضاوت را نیز دارند.

**سوال اینجاست** اکثر این سوال جای طرح پیدا میکند که اگر در جامعه ایران که متشیع است و اسلامیه بوده است، قرارداد ذمی با کفار تنظیم گردید، آیا آن قرارداد هاکنه به امضای مسئولین کشور به غیر مراجع تقلید رسیده و یا بصورت ماده واحده ای از مجلس گذشته ارزش قانونی داشته یا خیر و آیا جامعه تشیع باید به آن احترام بگذارد یا نه.

پاسخ این سوال را که با مسئله اصلی مورد بحث رابطه مستقیم دارد، علمای شیعه داده اند. "شهادت اول در کتاب (دروس) میگوید: "در زمان غیبت امام واجب است با اقلیتهای مذهبی طبق قراردادیکه با روسا و زمامداران مسلمین منعقد نموده اند رفتار ننموده."

صاحب جواهر به استناد حدیثی میگوید "قرارداد حکام جا بر را با بد صحیح و معتبر شمرده و این حکم، شامل صورتی نیز میگردد که فاقد شرایطی باشد که به منزله رکن و اساس قرارداد ذمه میباشد و آن جزیه است."

(جواهر الکلام صفحه ۲۷۶)

شخص خمینی در کتاب تحریر الوسیله میگوید:

"هرگاه حاکم ستمکاری عقد جزیه را با کفاری تنظیم کند بر ماست که اثار رحمت بران بار کنیم (جلد دوم صفحات ۴۹۸ و ۴۹۹)

### موضوع قراردادهای ذمی

برای پیش برد بحث و رساندن آن به نتیجه لازم است به بینیم که موضوع قراردادهای ذمی چه میتواند باشد.

هیچ محدودیتی در موضوع قرارداد ذمی وجود ندارد، تنها همین که طرف قرارداد ذمی باید از کفار صاحب کتاب باشد (مسیحی - یهودی - زرتشتی).

حتی اخذ جزیه که اساس قرارداد ذمی است، آنهم بسته به نظر حاکم اسلامی است که به چه مبلغ باشد و یا اصلاً بخشش کند چنانکه شیخ صدوق از امام رضا نقل کرده است که:

"مسیحیان بنی تغلب از پرداخت جزیه امتناع کردند و از عمر خواستند که آنها را از پرداخت جزیه معاف دارد عمر نیز از ترس آنکه میباید دولت روم به پیوندند حاضر شد و از جزیه سرانه صرف نظر نماید و بر مالیاتهای دیگر آنان افزایش دهد" شیخ صدوق نگاه اضافه میکند که "امام رضا فرمود مسیحیان بنی تغلب میتوانند طبق قرارداد دو مصالحه ای که بدان رضایت داده اند عمل نمایند تا آنروز که حقیق ظاهر گردد."

(وسائل الشیعه باب ۶۸)

غرض شد که هیچ محدودیتی در عمل حاکم برای انعقاد پیمان ذمی نیست حتی معاف ساختن انسان از اجرای قوانین اسلامی و به عبارت دیگر ایجا مصونیت های قضائی برای کسانی که قرارداد ذمی با حاکم اسلامی دارند و به عبارت دیگر، اجرای کاپیتالاسیون بمعنای مطلق آن.

در فقه اسلامی (شرایع) به اتفاق میخوانیم

اگر اهل کتاب عملی کنند که در طریقه ایشان جائز نباشد مثل زنا و لواط و غیره پس حکمی برایشان جاری میشود مثل حکمی که بر مسلمانان جاری میشود و اگر خواسته باشد حاکم، میدهد آن تقصیر

( صفحه ۱۳۴ ترجمه شرایع )

## کاپیتولاسیون و اسلام

با عرض میشود برای رساندن بحث به مرتبه تطبیق و اخذ نتیجه ضروری است که به رابطه کاپیتولاسیون و اسلام هم توجهی بشود.

کاپیتولاسیون، در لغت به معنای طایفه بندی مطالب است، برخی از مفسرین اروپائی، کاپیتولاسیون را به معنای متارکه جنگ گرفته اند و میگویند، از آنجا که مسلمانان میگویند هیچگاه بین آنان و کفار صلح دائمی نباید وجود داشته باشد، کاپیتولاسیون ذرواقع یک نوع قرارداد صلح موقت است. عده ای دیگر عقیده دارند که کاپیتولاسیون عبارت از معاهداتی است که بموجب آن بیگانگان حق اقامت در کشور دیگری را برای خود تحصیل و از برخی حقوق و مزایا بطور اختصاصی بهره مند میشوند و به عبارت دیگر، کاپیتولاسیون عبارت است از حق قضاوت خارجی در کشوریگانه میباشد.

راجع به پیدایش کاپیتولاسیون و ارتباط آن با اسلام اجازه فرمائید به اتفاق، به تاثیرات المعارف دهخدا مراجعه کنیم که حق مطلب را به روشنی بیان کرده است.

تاثیرات المعارف مزبور میشود:

(۵۰۰) در حقیقت باید منشأ کاپیتولاسیون را در سال ۱۵۳۵ دانست زیرا در آن زمان فرانسوی دوم پادشاه فرانسه موفق شد با پادشاه عثمانی سلیمان پاشا معاهداتی منعقد کند که آن معاهده بعد از سیله سلاطین دیگر تکمیل و مخصوصاً در سال ۱۷۴۰ معاهده مزبور بخوبی تکمیل شد و بموجب آن خارجیان مخصوصاً فرانسویان موفق شدند که خود را از قضاوت محاکم ترک معاف نموده و در داخل کشور عثمانیسی به محاکم فرانسوی که برای این منظور تشکیل شده بود مراجعه نمایند برای اینکه بطور خلاصه از مدلول این معاهدات مطلع شویم لازم است بطور اختصار موارد مختلفی را که در این معاهدات پیش بینی شده است در اینجا مورد بحث قرار دهیم بر طبق این معاهدات باید موارد ذیل را مورد مطالعه قرار داد:

۱- مسائل حقوقی و تجاری - ۲- مسائل جزائی - ۳- مسائل حقوقی و تجاری - در صورتیکه اختلاف مربوط به امور حقوقی و تجاری باشد و طرفین هر دو فرانسوی باشند محاکم عثمانی بهیچ وجه صلاحیت رسیدگی به اختلاف را ندارند بنابراین با اینکه اختلاف در خاک کشور عثمانی بعمل آمده صلاحیت رسیدگی به قسوسول فرانسه و محاکم فرانسوی واگذار شده بوده در صورتیکه اختلاف بین یک نفر فرانسوی و یک نفر از اتباع عثمانی بروز کند، محاکم عثمانی صلاحیت رسیدگی را دارد ولی باید محاکمه با حضور قسوسول فرانسه صورت گیرد.

اگر اختلاف تجاری و حقوقی بین یک خارجی و یک فرانسوی باشد، در این صورت نیز محاکم عثمانیسی صلاحیت رسیدگی را ندارد.

مسائل مربوط به امور جزائی، - در صورتی که مجرم یا متهم بیگانه بود در این صورت نیز محاکم عثمانی به هیچ وجه صلاحیت رسیدگی به این قسمت را نداشت اگرچه جرم در داخل خاک کشور عثمانیسی واقع شده بود.

با توجه به این موارد ملاحظه میشود که در داخل کشور عثمانی در مقابل محاکم ملی محاکم بیگانه ای نیز وجود داشته است و این خود لطمه بزرگی به استقلال قضائی آن کشور وارد میآورد.

اکنون باید معلوم داشت که چطور شد که امپراطور عثمانی با قدرت و تسلطی که داشت، رضایت به چنین امری داد در صورتیکه در آن موقع هیچ اجباری برای امضای چنین معاهداتی در کار نبود.

راجع به علل و جهات امضای چنین معاهداتی بین علمای حقوق اختلاف نظر موجود است بعضی از ایشان معتقدند که چون میان تمدن مسیحی و اسلامی فاصله زیادی وجود داشت و از طرفی روابط بازرگانی ایجاب مینمود که اقرا این ممالک با یکدیگر ارتباط داشته باشند تا چارطرفین در صد پیدایش وسیله ای بودند که این ارتباطات را در تحت نظم و مقرراتی در آورند به این جهت متوسل به کاپیتولاسیون شدند.

برخی دیگر از علمای حقوق و مورخین میگویند که منشأ کاپیتولاسیون را نباید در این دانست که ما بین تمدن اسلامی و مسیحی فاصله زیادی بوده است بلکه:

منشأ کاپیتولاسیون را باید در خود قوانین اسلام پیدا کرد زیرا مطابق فقه اسلامی اگر شخصی خارج از مذهب برای رفع اختلافات خود میخواستند به محاکم مذهبی خود مراجعه نمایند هیچ مانعی و رادعی برای آنها موجود نبود و بنابراین اگر پادشاه عثمانی را میخواستند به امضای چنین معاهداتی شده است، مقصودش این نبوده که امتیاز خاصی به بیگانگان بدهد بلکه قانون اسلام چنین موضوعی را تجویز مینموده

منتهی چون از نظر اقتصادی سلطان عثمانی مایل بود که با بیگانگان ارتباط بازرگانی داشته باشد تا چار برای تأمین منافع اقتصادی کشورش تن به امضای چنین معاهداتی داد و آنرا امضا کرده ..... پس میتوان گفت که سلطان عثمانی با امضای چنین بیگانه ای به هیچوجه در مقابل تاریخ و ملت خود مقصر نیست (.....)

( تمامی متن بالا که در هلالین قرار گرفته است از فرهنگ دهخدا باب کاپیتولاسیون میباشد )

آیسا سلطان عثمانی که خلیفه وقت مسلمین جهان شناخته میشد، به حدود و قوانین اسلامی آگاه نبوده است؟ بفرض اینکه نظر آن عده از حقوقدانان که گفته اند اختلاف بین تمدن مسیحی و اسلامی سلطان عثمانی را مقید ساخته که قرارداد کاپیتولاسیون را امضا کند، با زهم تفاهتی در مانحن فیته ندارد زیرا اگر اسلام خلاف کاپیتولاسیون حکمی داشت، سلطان عثمانی جرات نمیکرد که چنین قراردادی را با بیگانگان امضا کند، پس آیات قرآن و تاکیدات مکرر آن گجایرفته بود؟



هیچ اینها نبود مگر اینکه همانطور که حقوقدانان اظهار عقیده کرده اند، مبناى کاپیتولاسیون را باید در اسلام یافت لاغیره  
تنها سلطان عثمانی چنین نکرد، عمرخلیفه سوم نیز در سال ۶۸۳ میلادی راهبانان یونانی مقیم فلسطین را از تبعیت قوانین محلی که همگی یکدست اسلامى بودند معاف ساخت  
ایا عمرهم به قوانین اسلامى آگاه نبود؟

**دلیل دیگر**  
ممکن است گفته شود که سلطان عثمانی پیرو فلسفه اسلامى تسنن بود و ایران پیرو فلسفه تشیع اسلامى است، نمیتوان در مورد کاپیتولاسیون اقدام سلطان عثمانی را ملاک گرفت. پاسخ این است:

شاه عباس کبیر که در تعصبات او به شیعه کمتر حرفى است و در زمان او در راه روحانیون شیعه دو مدر بزرگ یا صدراعظم بود که یکی برای اموردیوان و دیگری برای امور خاصه، امور مربوط به قضا و تدریس کشور را اداره میکردند. عادتاً شاه قبل از اینکه فرمانی صادر کند از مجتهدین سوال میکرد که آیا حکم او از نظر فقه و شریعت اسلامى صحیح است یا نه و مجتهدین فتوای مختصری صادر میکردند که فرمان شاه بعدیه آن مبتنی میشد. (نقل از صفحه ۵۴۹ تاریخ ایران)

در زمان سلطنت خویش به اتباع انگلیس اجازه داد که بوسیله سفرای کشور خودشان محاکمه شوند. افزون بر آن، مسوئیت جان و مال و مذهب هم به آنان اعطاء کرد (سال ۱۶۵۰ میلادی) و پس از شاه عباس اول نیز شاه صفی و سایر شهریاران صفوی آن فرمانها را تأیید نمودند

ایا مثال مجلسی که شیخ الاسلام و صدراعظم وقت و قدرت قضائی کشور را درید خود داشت نمیدانست که برقراری کاپیتولاسیون بنفع اتباع انگلیسی در سرزمین اسلام خلاف اسلام است؟  
در سال ۱۷۰۸ "لوئی میشل نماینده لوئی چهاردهم با شاه سلطان حسین قراردادى تنظیم نمود که عینا کلیه مواد قرارداد کاپیتولاسیون عثمانی در آن معاهده دیده میشود و این زمان درست در بحبوحه قدرت باقر مجلسی بوده که شاه سلطان حسین آب بدون اجازه او نمیکشید. آیا میتوان گفت که اسلام تشیع با کاپیتولاسیون مخالف است؟؟

**یک دلیل دیگر** همانطور که استحضار دارید قرارداد کاپیتولاسیون بموازات عهدنامه ترکمانچای به ایران تحمیل گردیده از آن تاریخ (۱۸۲۸) تا زمان

مشروطیت، یعنی ۷۹ سال، حتی یک نوشته‌ای از یکی از مفسرین و محققین شیعه وجود ندارد که کاپیتولاسیون را خلاف اسلام دانسته باشد.

خودپرسی فرمائید آیا مسئله قرارداد انحصار توتون مهمتر بود یا قرارداد کاپیتولاسیون که میرزای شیرازی برای اولی آن برنامه‌های خاص ۱۱ رابها اجرا گذاشت و برای کاپیتولاسیون، دم نگشود؟ چه محلی میتوان یافت جزا از اسلام بر خریان حق کاپیتولاسیون؟؟

مدت ۲۰ سال مشروطیت ایران هیچیک از وکلای مجلس حتی مدرس نگفتند که کاپیتولاسیون خلاف اسلام و این سنگ را از زمان اسلام پاک کنید، زیرا این سنگ، مبنايش در اسلام است.

### نتیجه آينکه

فرض از بحث اسلام و کاپیتولاسیون این است که:

گرچه لایحه قانونی مصونیت رئیس و هیئت مستشاران امریکا کاپیتولاسیون نیست (دلائل آن در همین لایحه عرض خواهد شد) مع هذا اگر به زعم ملاهای شورشی و درویش آنان آن سنگ به درگ واصل شده، کاپیتولاسیون هم گرفته شود باز هم عملی خلاف اسلام صورت نگرفته است.

### تفاوت مصونیت سیاسی و کاپیتولاسیون

جهات افتراق مصونیت سیاسی و کاپیتولاسیون انقدر معلوم و مشخص است که نیازی به بحث و گفتگوئی را ندارد ولی در مقابل احتجاج و جهالت قشریون مذهبی و بختیارو آدمهایش ذکر این مراتب ضروری است:

۱- همانطور که از تعریف کاپیتولاسیون برمیآید، کاپیتولاسیون حق قضا و تخریج در کشور بیگانه است. بنا بر این شمول این حق برای تمام اتباع کشور خارجی است و استثنائی متوجه آن نیست در حالیکه مصونیت سیاسی محدود به اشخاص ذکر شده در حقوق بین الملل است و اقرا عادی کشورها چه از کشور متبوع و یا کشور بیگانه نمیتوانند از مصونیت سیاسی استفاده کنند.

۲- مصونیت سیاسی از حقوق متقابل کشورهاست یعنی همانطور که شخصیت های سیاسی خارجی در ایران دارای مصونیت سیاسی اند، و از تعقیب جزائی و محاکمه مصون میباشند، شخصیت های سیاسی ایرانی نیز در کشورهای خارج متقابلاً از این امتیاز برخوردارند در حالیکه در کاپیتولاسیون چنین قاعده‌ای نیست و ایرانیان مقیم کشورها رهنمیتوانستند از محاکم آن کشورها معاف و یا با حضور کنسول ایران محاکمه بشوند.

۳- اساس مصونیت سیاسی بر استقلال و احترام کشورهاست و چون متقابل است هیچگونه امتیاز انحصاری برای کشورها محسوب نمیشود در حالیکه اساس کاپیتولاسیون بر برتری کشوری بزرگتر و دیگر اختلاف تمدن و عادلانه و غیر عادلانه بودن قوانین کشورهاست.

۴- مشخص ترین وجه تمایز کاپیتولاسیون و مصونیت سیاسی، این است که برقراری مصونیت سیاسی، در رابطه با شغل شخص مصون است و همینکه آن شخص از آن شغل برکنار شد، مصونیت سیاسی او هم از بین میرود در حالیکه کاپیتولاسیون هیچ ارتباطی به شغل شخص ندارد بلکه به تابعیت افراد بستگی دارد و نیز در مصونیت سیاسی، کشورها حق دارند از قبول نماینده سیاسی کشور دیگری خودداری کنند و تا پذیرش او را ندادند، مصونیت سیاسی هم برای آن شخص بوجود نمیآید و به عبارت دیگر مصونیت سیاسی هیچگونه تضمینی برای حق حاکمیت ملت یا مردم ندارد.

۵- کاپیتولاسیون امتیاز و حقی است که دولتی به دولت دیگر میدهد و به همین دلیل مشمول اصل بیبن- المللی کا ملت الوداد میگردد یعنی دولتهای دیگر نیز بخودی خود مشمول آن حق میگرددند چنانکه مسئله فصل کاپیتولاسیون در عهدنامه ترکمان چای سبب شد که کشور انگلستان بسال ۱۸۴۲ اسکاندینا وی بسال ۱۸۵۲ دانمارک ۱۸۵۲ سوئد ۱۸۵۲ آمریکا ۱۹۰۲ شیلی ۱۹۰۲ سوئیس ۱۸۷۸ ازان استفاده کردند ، در حالیکه مصونیت سیاسی حقی است که به اتباع مشخص کشورهای دیگری داده میشود و لذا شامل اصل کا ملت الوداد نمیکردد به همین دلیل هم مصونیت سیاسی موضوع لایحه قانونی مصونیت رئیس هیئت مستشاران نظامی آمریکا ، به سایر مستشاران نظامی کشورها که در آن موقع در ایران حضور و در استخدام دولت شاهنشاهی بودند ، شعلق نگرفت و این مدت یکی دو سال هم نبود ۱۵ سال بوده

ع از آنجا که قرارداد کاپیتولاسیون بین دوویا چند کشور امضا میگردد ، نسخ آن نیز یکطرفه ممکن نیست مگر با جنگ و یا موافقت طرفهای ذینفع ولی مصونیت سیاسی حقی است موقتی و هر زمان دولت اراده کند مصونیت را از شخص بر میدارد

با عرض مراتب از جهات افتراق کاپیتولاسیون و مصونیت سیاسی اکنون جا دارد به بینیم لایحه مصونیت سیاسی مستشاران نظامی آمریکا اگر کاپیتولاسیون نیست پس چیست ؟

### لایحه مصونیت سیاسی مستشاران آمریکائی چیست ؟

از آنچه که در رابطه با قرارداد مصونیت سیاسی و کن عرض شد این استفاده معلوم است که مصونیت سیاسی خاص کارمندان سیاسی است نه افراد نظامی . با کمی دقت در متن لایحه مصونیت سیاسی متوجه میگردیم که لایحه مزبور در واقع تحصیل اجازة برای تنظیم قرارداد استفاده می است که آن مستخدمین ( مستشاران نظامی ) از حقوق مصونیت مندرج در قرارداد دویین استفاده کنند . عبارت " رئیس و اعضای مستشاران نظامی ایالات متحده در ایران که بموجب موافقتنامه های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی هستند " ثابت میکند که مصونیت مندرج در لایحه مزبور ، یک

امتیاز استفاده می است . و به عبارت دیگر ، نه کاپیتولاسیون است و نه مصونیت سیاسی منطبق با تعریف قرارداد دویین بلکه امتیازی است که کارفرما ( دولت شاهنشاهی ) به اعتبار منافع خاصی که از کارگر ( مستشاران نظامی آمریکا ) میبرد آن امتیاز را موقتاً به آنها داده است .

ایران شاهنشاهی میلیاردها اسلحه از آمریکا خریداری کرده بود ، این اسلحه ها ، شمشیر و سپر و تفنگ نبود که راه اندازی و استفاده از آن به متخصص نیاز باشد ، اسلحه را هم برای تماشا خریده بودیم برای حفظ استقلال کشور خریداری شده بود که دنیا ناظر بود ، آیا آنکه نظم ارتش گسسته بود ، همان اسلحه ها وسیله توقف پیشروی ارتش عراق در ایران گردید .

سازماندهی ارتش و بویژه تدارکات و ذخائر ارتش بعورت کامپیوتری در آمده بود ، سیستمی که آن زمان حتی شوروی از آن برخوردار نبود ( آمریکا - انگلستان - فرانسه و اسرائیل از آن سیستم برخوردار بودند )

این امور نیاز به کارشناس و متخصص نظامی داشت ، نمی شود اسلحه را از آمریکا خرید و کارشناسان را از فرانسه آورد ، نمی شود در روزنامه ها اعلام کرد و متخصص استخدام کرد .

کارشناسان این امور برای خودشان و شرکتهایشان نکین هائی هستند یا ارزش و لاجرم برای استخدام خودشان هم شرائطی قائلند که در برخی موارد همان مصونیت جان و مال و مسکن است و از این بحث نمیشویم که هر حقوقدان و وکیل خارجی که اصل دوم متمم و اصل ۲۱ همان قانون را بخواند ، مصونیت جان و مال و مسکن و فراغت از سیستم قضائی ایران را برای خدمت موکلش در ایران باید خواستار شود .

درست است که قوانین ایران بویژه قوانین کیفری و اثنین دادرسی آن منطبق با قوانین مترقی دنیا شده بود ولی یک حقوقدان و وکیل مجرب نمیتواند به اصول مزبور که در قانون اساسی و متمم آن پیاده شده بی اعتناء بماند .

### مصلحت ملی

مانمیدانیم که مذاکرات بین مسئولین وزارت جنگ و وزارت خارجه و هیئت دولت شاهنشاهی چه بوده که منجر به تنظیم لایحه قانونی مصونیت و تسلیم آن به مجلس گردیده ولی بهرحسب حال مسلمانان مصلحت ملی در کار بوده است .

گسسته ها برای حفظ استقلال و منافع مملکت تصمیماتی اتخاذ میگردند که بنظر کسانی که در متن نیستند ، صحیح نماید ولی مصلحت مملکت ، ایالات را از این حرفهاست .

دیدیم که دولت ریگان بنا بر مصلحت ملی آمریکا ، علی رغم قانون تحریم ارسال اسلحه به ایسراون به ارسال اسلحه مبادرت نمود و در محاکمه " نورث " چیزی هم که اصلاً مورد اعتراض دادگاه و رسیدگی قرار نگرفت همان شکستن قانون از طرف دولت ریگان بود و نورث فقط به اتهام سوء استفاده محاکمه گردید .

دیدیم که دولت فرانسه علی رغم قانون منع معامله با آدم ربایان به آنها باج مالی داده ها مورد دیگر .

در مدر اسلام نیز نظر بر توجه به مصلحت جامعه موارد عدیده ای دارد از جمله بنایه نوشته تاریخ اسلام ابو بکر خلیفه اول مسلمین ، خالد بن ولید سردار اسلام را که شیانه در منزل یکی از معارف مسلمان ( مالک بن نویره ) میهمان شد و مالک را غافلگیر نمود و او را کشت و سرش را در آجاق انداخت

وبه زن مالک تجاوز کرد، خلیفه اسلام حد اسلامی را بر او جای نساخت و به استناد اینکه آن سردار مورد نیاز است، قضیه را منتفی ساخت (تاریخ اسلام و شیعه در اسلام صفحه ۱۰ و ۱۱)

شخص خمینی نیز اقتدار حکومت را تا آنجا دانسته که میتواند مساجد را تعطیل و یا خراب کند و حکومت مقدم بر نماز و روزه است و میتواند قراردادها را یک جانبه لغو نماید

(نقل از فتوای خمینی به علی‌خا منهای کیهان ۱۸۲)

بنابراین، مملحت ایران آن روز بران بوده که به اعتبار نیازی که به آن مستشاران نظامی امریکائی داشته دولت لایحه آنرا تهیه و پس از تصویب مجلس شورای ملی و سنا و توشیح همایونی بموقع اجرا بگذارد آیا شاه میتواند آن قانون را توشیح نکند و با مراجع قاطع اصل ۴۹ جلوی اجرای آنرا بگیرد؟ مسلما خیر

سنگ = آری حکومت امروز، حق دارد، مساجد را خراب، قرارداد های مردم را یکطرفه فسخ و باطل کند. نماز و روزه را تعطیل کند، ازدختران ازاله بکارت کند، اموال خصوصی و عمومی را غارت کند، زندان ها را مملو و گورستان ها را متراکم و وسعت بخشد، جوانها را خام و به اغوی بهشت و گلبدان گله گله بروی مین های عراقی اعزام دارد، کشور را با ایران رابه ویرانه های غیر قابل علاج مبدل سازد و برخلاف صراحت قرآن، به کشورهای کفر و حکمیت آنها متوسل شود (قطعه ماه ۵۸۹) ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ولی اگر حکومت امروز، بنا به تجویز مجلس شورای ملی و سنا لایحه قانونی مصونیت چند مستشار نظامی امریکائی را که در استخدام دولت شاهنشاهی برای تدارک و تجهیز ارتش بوده اند تصویب میکند، آنهمه غشوغ و اتهام آنهم برای شاهی که به غیر از توشیح آن قانون که وظیفه بلاتاخیر شاه است، دخالتش در امر مزبور نداشته است

بر اخوندهای حاکم ایرادی نیست اما بختیار بها چرا؟ تصمیم مجلس، چه خوب نیاید، چه ارتباطی به شاه دارد؟ البته غافل نیستیم که میگویند مجلس آریا مهری بود، پاسخان این است، آیین رئیس آزاده شما (بخوانید زکمر) چطور با رای همان مجلس آریا مهری و مجلسیان آن به تخت وزیری رسید و آنهمه هم فخر فروخت.

(پایان)

## بی انصافی و چرک فکری

آنجا که مسئله ساختن ایران و پیشرفتهای کشور مطرح است، گفته و ادعا میشود که پهلوی ها کاری برای ایران نکردند، هر چه پیشرفت و ترقی بوده ملت خودش کرده است

آنجا که مسئله نجات آذربایجان مطرح است، ادعا میگردد که "شاه و ارتش کاری نکردند، ملت و مردم آذربایجان خودشان قضیه آذربایجان را حل کردند"

ولی آنجا که لایحه مصونیت مستشاران نظامی را دولت تهیه کرده و مجلس شورای ملی و سنا تصویب نموده، قضیه میشود کاپیتولاسیون و برگشت دادن آن توسط شاهنشاهی آریا مهری.

شرم آور و غیر قابل تحمل است، ۱۰ سال است نه یکبار رویکنفر، مذاوم و مکرر، بختیار و آدمهایش دست از این بی شرمی برنمیدارند و بهر مناسبتی نیش میزنند و تجدید مطلع اتهامی میکنند که:

بله، کاپیتولاسیون را چه میگوئید - بلکه - فتحعلیشاه را روسفید کرد -

(سوء تعبیر نشود، اظهارات و نوشته های آدمهای بختیار، حسب قاعده ای که خود او وضع کرده به حساب خود است)

خودپرسی بفرمائید لایحه قانونی مصونیت مزبور تجا و زبیه حق حاکمیت ملی و قوه قضا ئیه کشور است یا قانون منع تعقیب خلیل طهماسبی قاتل سپهبد رزآ را از طرف مجلس دست نشانده مصدق و تاشقند آن عمل بیسابقه در جهان، توسط مصدق عوام فریب و قشری که یکمده سال قبل با عضویت در مجمع آدمیست هدفش برقراری قوانین اسلامی و حکومت اسلامی در ایران بوده است.